

هدفهای آموزشی یا هدفهای یادگیری

هدفهای ارزشیابی آموزشی معمولا در دو سطح بیان می شوند:

۱- بصورت کلی ۲- به صورت جزئی و دقیق

هدفهای کلی را غایت (goal) و هدفهای جزئی را هدف (objective) می نامند .

غایتها یا هدفهای کلی به سبب کلی بودن ، مبهم بوده و به سادگی قابل اندازه گیری نیستند. در مقابل هدفهای جزئی و دقیق ، قابل تبدیل به کمیت و اندازه پذیرند. هدفهای دقیق آموزشی برخاسته از غایتها هستند که هدفهای دروس مختلف معلمان را تشکیل می دهند. بنا بر این در ارزشیابی آموزشی نیز عملکرد یادگیرندگان با توجه اینگونه هدفهای دقیق آموزشی سنجش می شود ، و همین هدفها هستند که ملاک قضاوت توفیق مربیان و یادگیرندگان رامی سازند.

بطور ساده هدفهای آموزشی یا هدفهای یادگیری یک درس منظور و مقصودی است که معلم از آموزش خود و یادگیرنده از یادگیری خود دارند .

روش تهیه هدفهای دقیق آموزشی

هدفهای دقیق آموزشی که به آن هدفهای رفتاری نیز می گویند ، بیاناتی هستند که یادگیری های مختلف دانش آموزان را بر حسب تغییرات حاصل در رفتار یا عملکرد آنان نشان می دهند. امتیاز مهم این گونه هدفهای آموزشی این است که به سهولت قابل شناسایی و قابل اندازه گیری هستند . همچنین معلم به کمک هدفهای رفتاری مقصود خود را از آموزش موضوعات درسی به طور دقیق مشخص می کند که در پایان درس چه انتظاراتی از آنان خواهد داشت .

متخصصان آموزشی توصیه می کنند که بهتر است هنگام نوشتن هدفهای آموزشی رفتاری ، علاوه بر کاربرد فعلها و عبارات مشخص کننده رفتار ، شرایط یا وضعیتی را که رفتار باید در آن انجام پذیرد و نیز ملاک یا معیار توفیق رفتار نیز ذکر شوند. به این نوع هدفهای رفتاری ، هدفهای کامل رفتاری گویند.

نوشتن هدفهای رفتاری کامل ، کار تهیه سوالهای امتحانی را آسان می کند ، زیرا آنها به مربی می گویند که در تهیه هر سوال چه نوع عملکردی را از دانش آموزان در نظر داشته باشد ، چه شرایطی را برای پاسخدهی دانش آموزان فراهم آورد ، و با چه معیار ها یا ملاکهایی کار آنها را ارزشیابی کند .

طبقه بندی هدفهای آموزشی

هدفهای آموزشی بسیار متنوع اند . برای سهولت مطالعه آنها را به گونه های مختلف طبقه بندی کرده اند. معروف ترین طبقه بندی از هدفهای آموزشی بوسیله گروهی از متخصصان آموزش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تهیه شده و به نام بنجا مین اس . بلوم که سرپرستی این گروه را به عهده داشته معروف گشته است.

در این طبقه بندی هدفهای آموزشی ابتدا به سه طبقه کلی ۱- حوزه شناختی ۲- حوزه عاطفی ۳- حوزه روانی - حرکتی تقسیم شده اند و هر حوزه نیز دارای طبقه بندیهای مخصوص به خود می باشد .

الف - هدفهای حوزه شناختی به جریانهایی که با فعالیت ذهنی و فکری سروکار دارند مربوط می شوند. از این لحاظ این حوزه مهمترین حوزه یادگیری به شمار می آید، زیرا اکثریت فعالیتهای تحصیلی و غالب موضوعات درسی و هدفهای آموزشی به این حوزه مربوط می شوند.

ب - حوزه عاطفی شامل هدفهایی است که تغییرات حاصل در علاقه ها، نگرشها و ارزشها و نیز رشد ارج شناسی و سازگاری را نشان می دهد. هر چند که مربیان ضمن آموزش هدفهای حوزه شناختی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم در آموزش هدفهای حوزه عاطفی نیز می کوشند، با این حال چون محتوای برنامه های درسی را بیشتر هدفهای حوزه شناختی تشکیل میدهند، کاربرد حوزه عاطفی در سطح آموزشگاهها به اندازه کاربرد حوزه شناختی شهرت نیافته است.

ج - حوزه روانی حرکتی به زمینه مهارتهای حرکتی مربوط است. به سخن دیگر، هر فعالیتی که علاوه بر جنبه روانی دارای جنبه جسمانی نیز باشد در این حوزه جای دارد. تفاوت هدفهای این حوزه با هدفهای حوزه شناختی در این است که هدفهای حوزه شناختی صرفاً به فعالیتهای ذهنی ختم می شود، اما هدفهای حوزه روانی - حرکتی هم به فعالیتهای ذهنی و عاطفی و هم به فعالیتهای جسمی نیاز دارند.

برخلاف حوزه شناختی، هدفهای حوزه عاطفی و هدفهای حوزه روانی حرکتی با آزمونهای کتبی متداول به خوبی قابل سنجش نیستند. سنجش هدفهای حوزه عاطفی و حوزه روانی حرکتی با وسایلی به غیر از آزمونهای مورد استفاده در حوزه شناختی امکان پذیر است.

حوزه شناختی (cognitive domain)

بلوم و همکاران (۱۹۵۶، ۱۳۶۸) هدفهای حوزه شناختی را در شش طبقه کلی طبقه بندی کرده اند. هر یک از این طبقه ها یک نوع فرآیند شناختی را توصیف می کند. این شش طبقه طی سلسله مراتبی از عینی و ساده به انتزاعی و پیچیده مرتب شده اند و شامل شش طبقه اصلی به شرح زیر می باشند:

الف - دانش: (knowledge)

دانش شامل یادآوری (remember) [بازخوانی (recall) و باز شناسی (recognition)] امور است. در واقع دانش عبارت است از تکرار پاسخهایی که قبلاً در موقعیتهای یادگیری تمرین و آموخته شده اند. هدفهای نمونه:

۱- یاد گیرنده بتواند متغیر مستقل و متغیر وابسته را تعریف کند.

۲- یاد گیرنده بتواند انواع آزمونهای عینی را نام ببرد.

ب - فهمیدن: (comprehension)

فهمیدن یعنی توانایی درک منظور یا مقصود یک مطلب. فهمیدن به پاسخهایی بیشتر از آنچه قبلاً تمرین و آموخته شده نیاز دارد. این پاسخهای اضافی عبارتند از ترجمه یا برگردان، تفسیر و تعبیر، خلاصه کردن و کشف شباهتها و تفاوتها به بیانی تازه.

هدفهای نمونه:

۱- یادگیرنده بتواند دلایل شیوع بیماری مالاریا را بطور کامل توضیح دهد.

۲- یادگیرنده بتواند یک صفحه متن انگلیسی را به فارسی ترجمه کند.

۳- یادگیرنده بتواند مثالهایی برای غذاهای پر کالری و کم کالری ذکر کند.

ج- **کار بستن** : (application)

کار بستن عبارت است از توانایی استفاده از قواعد ، قوانین ، اصول علمی ، دستور العملها و دیگر مفاهیم انتزاعی در موقعیتهای عینی و عملی،

هدفهای نمونه :

۱- یادگیرنده بتواند پس از اتمام آموزش مراحل مختلف کلر زنی منبع آب را عملاً انجام دهد.

۲- یادگیرنده بتواند در پایان دوره تحصیلی یک رژیم غذایی مناسب برای یک بیمار دیابتی تعیین نماید .

د- **تجزیه و تحلیل** : (analysis)

باد گیری در سطح تجزیه و تحلیل شامل توانایی تجزیه کردن یک موضوع به اجزا تشکیل دهنده آن و مشخص کردن ارتباط و سازمان کلی اجزا است .

هدفهای نمونه :

۱- یادگیرنده بتواند اجزای یک گزارش تحقیقی را مشخص کند .

۲- یادگیرنده بتواند پس از اتمام آموزش فهرستی از مشکلات بهداشتی منطقه تحت پوشش خود را تهیه کند.

ه - **ترکیب** (synthesis)

ترکیب مستلزم در هم آمیختن دوباره تجربیات ، واقعیتهای ، دانستنیها و استنتاج یک روش یا سازمان دهی جدید است . اهداف آموزشی در این سطح توانایی ارائه راه حلهای جدید ، تولید شیوه های نوین و ایجاد یک برنامه منسجم را دنبال و کند .

هدفهای نمونه :

۱- یادگیرنده بتواند برای تدریس یک موضوع یک طرح آموزشی ابتکاری ارائه دهد.

۲- یادگیرنده بتواند در مورد عوامل موثر در بهبود کیفیت فعالیتهای یک برنامه بهداشتی ، پیشنهاداتی ارائه نماید

و- **ارزشیابی** (evaluation)

توانایی قضاوت یا داوری کمی و کیفی در باره مطالب و موضوعات مختلف با توجه به ملاکهای معین .

هدفهای نمونه :

۱- یادگیرنده بتواند یک مقاله انتقادی در باره استفاده از تنبیه بدنی در مدارس بنویسد .

۲- فراگیر بتواند نقاط قوت و ضعف فعالیتهای یک بهورز را بر اساس استانداردهای ارائه خدمات نقد و ارزشیابی نماید

حوزه عاطفی (affective domain)

اهداف حوزه عاطفی مرتبط با ارزشها و نگرشهایی است که رفتارهای آدمی را هدایت میکنند . طبقه بندی حوزه عاطفی نیز بصورت سلسله مراتبی ، از ساده به پیچیده مرتب شده اند . دستیابی به اهداف سطوح پایین تر به منزله مقدماتی هستند که برای رسیدن به اهداف سطوح بالاتر ضروری اند و شامل پنج طبقه به شرح زیر می باشد :

الف - **دریافت کردن** receiving (توجه کردن attending)

منظور کلی از این سطح توجه دادن (جلب ، حفظ ، وهدایت) فراگیر به موضوع آموزشی است . این جلب توجه ، مقدمه و سر آغازی برای ایجاد علاقه به فعالیتهای آموزشی و دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری در این حوزه است . هدفهای نمونه :

۱- یادگیرنده مایل است به موضوعی که در کلاس آموزش داده میشود توجه نماید.

۲- یادگیرنده می پذیرد که در یادگیری هدفهای رفتاری درس باید توجه بیشتری داشته باشد.

ب - پاسخ دادن (responding)

پاسخ دادن یعنی توجه فعالانه به پدیده ها و انجام کارهایی در باره آنها ، یا فعالیت حاکی از پذیرش یک عقیده یا یک خط مشی . در این سطح فراگیران نسبت به موضوعی که به آن توجه داده شده پاسخ میدهند . پاسخ دادن را می توان به عنوان واکنش و ابراز علاقه به یک موضوع تلقی نمود . هدف نمونه :

۱- یادگیرنده بطور داوطلبانه مطالب بیماریهای واگیر را در مجلات فصلنامه بهورز مطالعه میکند.

ج - ارزش گذاردن (valuing)

در این سطح رفتار فراگیر نشان دهنده احساس ، عقیده و نگرش او نسبت به یک موضوع است . در مرحله ارزشگذاری شخص تصور میکند که انجام رفتارها دارای ارزش است و خود باید نسبت به آنها تعهد داشته ، همچنین دیگران را هم به رفتاری که خود انتخاب کرده است راهنمایی کرده و آنان نسبت به انجام رفتار تشویق نماید . هدف نمونه :

۱- یادگیرنده در بحث گروهی از عقاید یکی از دوستان همکلاسی خود که به آن باور دارد دفاع میکند.

د - سازمان دادن به ارزشها (organization of values)

در این مرحله منظور دسته بندی و نظامدار کردن ارزشهاست ، به گونه ای که بعضی از آنها مهمتر از بعضی دیگر جلوه کند . هدفهای نمونه :

۱- یادگیرنده نیاز به یافتن نوعی تعادل بین رشد اقتصادی و حفظ منابع طبیعی را تشخیص می دهد .

۲- یادگیرنده باورهای خود را در هم می آمیزد و یک نظام ارزشی برای خود بوجود می آورد.

شخصیت پذیرفتن (characterization)

منظور از این مرحله تبدیل نظام ارزشی به صورت یک سبک زندگی یا یک دیدگاه فلسفی . این کار از درهم آمیزی صرف ارزشها و تعیین روابط بین آنها فراتر می رود و نوعی فلسفه پایدار زندگی را شامل می شود . هدف نمونه :

۱- یادگیرنده در موقعیتهای مختلف متناسب با نظام ارزشی خودش رفتار میکند.

حوزه روانی - حرکتی (psychomotor domain)

اهداف حوزه روانی - حرکتی به حرکات و اعمال ماهرانه ای که نیازمند فعالیتهای توانمند بدنی و روانی هستند . یادگیریها و هدفهای آموزشی در حوزه روانی - حرکتی ، عناصری از حوزه های شناختی و عاطفی را در خود دارند و قابل تفکیک از آنها نیست . یعنی اینکه مهارت و انجام یک فعالیت روانی - حرکتی ، مستلزم درک ، شناخت

و عاطفه نسبت به آن است. این حوزه هم دارای سطوح مختلفی است که بصورت سلسله مراتبی از ساده به پیچیده مرتب شده اند. هر سطح پیشنیاز سطح بالاتر است. بنابراین صرف رسیدن به یک سطح، به معنای مهارت و تسلط کافی در انجام فعالیت روانی حرکتی نیست و این امر نیاز به گذشتن از پنج سطح این حوزه را دارد.

الف - مشاهده (observation)

مشاهده پایین ترین سطح مهارت های روانی حرکتی است در این انتظار این است که دانش آموز با مشاهده رفتار مربی، به ترتیب و توالی اعمال، رابطه موجود میان آنها و نتیجه نهایی رفتار را به دقت مشاهده کند. میزان موفقیت در دستیابی به این سطح از یادگیری، معمولاً از طریق تقلید رفتارهای مربی مشخص می شود. هنگام تقلید زمان و نتیجه تقلید چندان مورد نظر نیست بلکه توجه به انجام متوالی اعمال، رفتار و حالات مربی مد نظر است.

ب- اجرای مستقل

در این سطح انتظار این است که از وابستگی دانش آموز به مربی کاسته شود و دانش آموز بطور مستقل و بدون کمک مربی عملی را انجام دهد، به طوری که ممکن نیاز به یاری مستقیم مربی نباشد. در این مرحله مربی رفتار فراگیر را در انجام هر عمل مشاهده نموده و اشتباهات او را پیدا کرده و شیوه اجرای صحیح را به او آموزش می دهد.

ج - دقت در اجرا

در این سطح سرعت، دقت و زمان انجام کار در دستیابی به اهداف آموزشی اهمیت دارد. در این سطح انتظار می رود دانش آموز به اعمال و رفتار خود توجه کند، حرکات خود را سریعتر کند، اشتباهات خود را کمتر کرده و کلاً کنترل درونی بیشتری نسبت به رفتار خود داشته باشد.

د - هماهنگی اجرا

منظور از این سطح یادگیری، اجرای هماهنگ مجموعه اعمال با رعایت توالی رفتارهاست. همچنین در این سطح دانش آموز توانایی انجام هماهنگ چندین حرکت را کسب می کند. در مطلوب ترین حد این سطح، فرد می تواند فعالیت های دیگری را ضمن انجام عمل مورد نظر به طور هماهنگ پیش ببرد.

ه - عادی شدن

در این سطح از یادگیری که بالاترین مرحله حوزه روانی - حرکتی است دانش آموز با تسلط کامل و به طور خودکار به انجام دادن دقیق و موزون فعالیت عات می کند و نیازی به فکر کردن درباره هماهنگی، تنظیم و توالی انجام فعالیت در خود احساس نمی کند. در ارزشیابی دستیابی به این سطح از یادگیری از مهارت های روانی - حرکتی عواملی مانند سرعت، دقت و صحت - در مطلوب ترین حد خود - به عنوان معیار محسوب می شوند.

بدیهی است هنگامی می توان فردی را به عنوان ارئه کننده خدمت روانه یک فیلد اجرایی کرد که دارای این سطح از توانایی شده باشد